



## آقای مهدی خانباها تهرانی و روز امتحان ؟

حسن ایوبزاده

آقای خانباها تهرانی، براساس زندگینامه‌ی خودنوشت از بنیانگذاران سابق کنفدراسیون دانشجویان درآلمان، گوینده‌ی بخش فارسی رادیو پکن، از بنیانگذاران سازمان انقلابی حزب توده ایران، عضو شورای مقاومت ملی سازمان مجاهدین و سرانجام به گفته‌ی آقای بیژن برهمندی "تحلیلگر سیاسی" است. برای آشنائی بیشتر به سایت ایشان مراجعه فرمائید.

از آقای خانباها تهرانی میشود یاد گرفت و بسیار طرفه ناشنیده شنید. همچون یاد از جاودان یاد د. قاسملوو و مشاعرهای باوی که چون نوبتش رسید، خواند:

ساحل افتاده گفت "گرچه بسی زیستم  
هیچ نه معلوم شد آه که من کیستم"  
موج زخود رسته ای تیز خرامید و گفت:  
هستم اگر می روم گر نروم نیستم

همچنین داستانی از احمد قاسمی و "روز امتحانش" که داستان همه‌ی عمری و محتمل داستان زندگی آقای مهدی خانباها تهرانی باشد که چنین آغاز میگردد: "حذف و درسی که چپ سنتی هنوز نیاموخته است". بدینسان، خانباها از پس 4 دهه، انتظاربالاخره خود یا احمد قاسمی و داستانش را از زیر تل فراموشی بیرون کشید.

داستان احمد قاسمی، داستان ستالینیستی است حقوق‌خوانده و نویسنده‌ای جامعه شناس. احتمالاً همچون آقای خانباهای تهرانی تحلیلگر سیاسی نیز بوده است. از بدیاری به دنبال نطق خروشچف، انتقاد از ستالین را بر نتابید. از حزب توده که دنباله رو حزب کمونیست شوروی بود اخراج گردید و همچون خانباها تهرانی به کشور چین زیر سلطه‌ی مائوتسه دون پناه برد. آقای خان باها از وی بگفت و اینچنین نقدش کرد:

چپ با ادعای رهایی انسان و رعایت شان و کرامت و ازادی ادبی به میدان می‌آید اما همه ما می‌توانیم نام رفقا، دوستان و همزمانی را به یاد بیاوریم که به دلیل نظرات متفاوت خود، در پای روان شناسی استبداد زده چپ ایران قربانی شدند، به دست رفقای سازمانی خود به قتل رسیدند یا زیر بار اتهامات ناروا و انگ‌های رنگارنگ شخصی و سیاسی، منزوی و به حاشیه رانده شدند. می‌توانیم انتقادهای و نظریات بسیاری را به یاد بیاوریم که به دلیل برخوردهای حذفی، به دلیل تنگ نظری، شایعه پردازی، تهمت، دشنام، صف بندی‌های غیر اخلاقی، لشکر کشی، اتهام‌های شخصی و سیاسی، طرح مسایل گذشته زندگی خصوصی، بزرگ کردن ضعف‌های سیاسی یا شخصی و پوشاندن یا انکار محاسن و توانایی‌های رقبا فکری در نطفه خفه شدند. اتهام نادرست همکاری با غرب و خیانت به اردوگاه سوسیالیسم، اتهامی که خلیل ملکی را به انزوا راند و از طرح نظریات نوآورانه او در میان جوانان جلوگیری کرد، در سال‌های ۲۰ تا ۳۰، رها کردن چریک‌های منتقد به خط و رهبری سازمان‌ها در خیابان‌هایی که شکارگاه پلیس بود به دوران شاه، اخراج اعضای که نظریات متفاوتی مطرح می‌کردند یا خواستار آزادی نظر فرآکسیون‌های داخلی بودند در تبعید اخیر، برخورد حذفی با مخالفان فکری که در تمامی سازمان‌های چپ جاری بود، برخوردی که هنوز این جا و آن جا دیده می‌شود، از همان جنس شکنجه، زندانی کردن و اعدام مخالفان، شیوه‌های امروزی خشونت گرایان بنیادگرای جمهوری اسلامی و رهبران مجاهدین خلق در عراق، است احمد قاسمی به زمانی که در رهبری حزب توده بود با مخالفان خود همان کرد که مخالفان او با او کردند. قاسمی در حذف و انزوای متفکر بزرگی چون خلیل ملکی با کیانوری و طبری و دیگران همراه و هم‌زبان بود. تاریخ دادگاه نیست اما شاهد معتبری است.

به به ! نقديست عالی!، کلامی است به سان رنگین کمان در یک روز بهاری ! شعريست به صفای عرفان سپهری، راهی دیگر به سوی ایمنی زندگی.

اما امروز نقد سابق آقای خانباها از رفقایش، از چپ واز اخلاقیات مذموم رفقا به مرجع صادرکننده نقد و به رفتار نویسنده اش ارتباط پیدا میکند. اینبارنقد در واقعیتی عینی رخ مینمایدو تفسیر میشود. یعنی همان دیسیپولیزم ستالینیستی، همکاری با سازمانهای اطلاعاتی و دستبند زدن است به دستهای مهندس حاجی احمدی و معامله با رژیم جنایتکاران جمهوری اسلامی همانطور که متفکر سیاسی و بنیانگذار حزب کارگران بخش شمال کوردستان را به بازماندگان امحارگان ارامنه و کورد تسلیم کردند. دهن‌کجی است به قانون و سیستم قضائی آلمان، به قضات عدالتخواه انساندوست باوجدان، نظیر دکتر نولدکه، کلمت، آلبان، شپیگل(قضات دادگاه میکونوس) خفه‌کردن صدای دکتر شیلی وکیل مدافع برادرفرهیخته‌ی دکتر شرفکندی به سالن دادگاهی است که در آن جنایتکاران باتهام کشتار دبیرکل حزب دمکرات کوردستان ایران و تنی چند از همراهانش محاکمه میگرددند. اتهامزنی آقای خانباها تهرانی علیه مسئول اول حزب حیات آزاد کوردستان تحت عنوان تحلیل واقعه‌ی بازداشت وی، درواقع مشروعیت بخشیدن است به فتوای کشتار کردها در وین، آلمان،

صدها انسان ترور شده در جنوب کردستان، ترور علی کاشف پور است در ترکیه و هرجا انسان والا می به مخالفت با حکومت ترور و کشتار رفسنجانی علیه مردم کردستان قیامی کرده است. آقای خانابا تهرانی آنگاه که خبر گرفتاری چند ساعته آقای مهندس حاج احمدی را تحلیل میکند، نه همانست که رفتار ستالینیستی احمد قاسمی و دوستان را تقبیح کرده است. او خود همان ستالینیست است که به جز ستالین معبودی نمیشناسد. از نظر وی دیگران محکوم به نابودی اند. دیگر "رهائی انسان و رعایت شان و کرامت آزادی انسان" برای او مرتبط به گذشته است و در افق دید وی نیست. او اکنون متعصبی است پان ایرانیست، تمامیتخواه، پرونده ساز و اتهام زن. با هم به مصاحبه اش که در ضمن تحلیل هم هست گوش میکنیم.

آقای خانابا تهرانی بیدلیل به آشنای سابقش به همسنگر سالهای آغازین رهبری د. قاسملو، بنیانگذاران هسته های مقاومت مردمی در شمال کردستان، به آقای عبدالرحمن حاج احمدی مجموعه ای از اتهامات ناروا و بی اساس نسبت میدهد. او میخواهد اجماعی از ورشکستگان سیاسی به تقصیر با خود همراه کند تا رهبر تنها سازمانی که جوانان پرشور ما را در کردستان اشغالی ما نمایندگی میکند، به دام جنایتکاران جمهوری اسلامی بیندازد. حزبش (پژاک) از انگونه احزاب سنتی نیست که در چنبره ای احزاب موسوم به برادر، مردم ما را به قبول بندگی و حقارت تعلیم دهد. تمامیتخواهان و شوینیستها برای پرونده سازی علیه مسئول اول پژاک و توطئه علیه وی، او را تروریست و سازمانش را تروریستی میخوانند.

همانگونه که اعضای ناتو و دولتهای پشتیبان کشورهای اشغالگر کردستان اوجالان، عرفات و ماندلا را تروریست خواندند.

خانابا تهرانی با انتساب اتهام تروریستی به حزب پژاک و به مسئول اول آن سازمان، در واقع کاری را میکند که احمدی نژاد، سپاه پاسداران و رفسنجانی انجام میدهند.

در ادعای خانابا تهرانی علیه حزب حیات آزاد کردستان و مسئول اول آن، این اتهامات ردیف شده اند:

- 1- "پژاک سازمانی است سرکوبگر و خشن."
- 2- "پژاک پرونده های جنائی فراوانی دارد."
- 3- "اقدامات مسلحانه میکند."

4- "رهبر پژاک پرونده های متعددی دارد در کلن زنگی میکند. مدعیان خصوصی دارد پرونده ها در جریان اند"

5- از طرف سازمانهای اطلاعاتی غرب حمایت میشود. این حرف را بیژن برهمندی مصاحبه گر جانبدار اتهام ساز در دهان خانابا کاشت و او تکرار کرد.

6- گروه پژاک گروهیست تروریستی و از طریق زور اسلحه حقخواهی میکند.

7- رژیم ایران با اقدامات رسوایش مانع دستگیری و عدم محکومیت وی شد.

پاسخگوئی به افتراها و اتهامات انتسابی به حزب پژاک و رهبری آن حزب کار نویسنده ای این مقال نیست. چراکه نویسنده ای این گفتار تعهد التزام سازمانی عقیدتی و تشکیلاتی نسبت به آن سازمان ندارد و وکیل یا وکیل در توکیل آن حزب نیست. اگر آقای خانابا آن اتهامات فاقد برهان را به عنوان تحلیل عرضه نمیکرد و یا حداقل یک دلیل برای مجموعه فرمایشات خویش اقامه میفرمود، نویسنده ای این مقال را کاری به کار آقای خانابا نبود. لیکن از وی انتظار می رود، لطفاً دلایل خود را مستند و بطور مشروح، با ذکر شماره پرونده های جنائی که گویا علیه حزب آقای حاج احمدی در جریان هستند اعلام فرمایند. آقای تهرانی میدانند، اصل برائت است. مادام دلائل مجرمیت متهمی در دادگاه به اثبات نرسد، متهم مجرم شناخته نمیشود. از این رو، اگر آقای خانابا تهرانی نتواند برای اتهام نسبت داده به آقای مهندس حاج احمدی و حزب حیات آزاد کردستان دلایلی مستند ارائه نماید، خود در مظان اتهام قرار میگیرد مسئله در چار چوب جرایم، افترا، اشاعه ای اکاذیب و احیاناً عنوان مجرمانه ای دیگری در دادگاه قابل رسیدگی خواهد بود.

آقای خانابا باستناد بیوگرافی اش، دهها سال است در کشور آلمان زندگی میکند. مدارج تحصیلی عالی را در آن کشور طی کرده است. سالها اصول پنهانکاری و در رفتن از دامگستریهای رژیم و مامورین خفیه را به اعضا هواداران گروه خود تعلیم داده است. او میدانند که دولتهای اروپائی همکاری اطلاعاتی دارند و آدرس کلیه ای افراد ساکن اروپا را دارند. ازینرو لازم نبود محل اقامت فرد اول سازمان پژاک را با حسن نیت خالصانه خویش جهت استفاده رژیم تروریستی جمهوری اسلامی ایران به علن اعلام فرمایند. خان بیگمان میدانند که کسی مجاز به اینگونه اطلاع رسانی نیست.

آقای خانابا احتمالاً به محدودیت آزادی فرد در رابطه با حفظ حرمت آزادی دیگران آگاه است. چنانچه برای پیگیری و اثبات ادعای خانابا علیه آقای حاج احمدی تنها یک امار قضائی وجود میداشت که اتهامات انتسابی به وی را قابل رسیدگی تشخیص میداد، پلیس قضائی و دادستان مکلف به پیگیری جرایم مذکور بودند. جای تعجب است که دولت آلمان به نقض قوانین عمومی خود از سوی افراد یا احزاب سیاسی بخصوص از نوع "تروریستی" آنها بی اعتنا بوده یا از آن بیخبر و یا نا آگاه و یا سامحه روادارد. مورد میکونوس میبایست توجه آقای تهرانی را جلب میکرد. از آنجائیکه جرایم ادعائی شخصی نیستند که نیاز به شکایت شاکی داشته باشند، میتوان قبول کرد که تحلیل آنچنانی خبر از ضعف بنیانهای فکری و نزول ارزشها و بازگشت اخلاق سیاسی دوران سیری گذشته ای ستالینیستی است که استاد خود بر آن نقدی قابل توجه نوشته اند. البته آن نوشته وقتی کامل خواهد بود که ریزش ارزشهای اخلاقی، سیاسی، اجتماعی تحلیلگران نیز در آن نقد گنجانده شود. کلیه ای اتهامات ادعائی و انتسابی از سوی آقای تهرانی به حزب حیات آزاد کردستان و دبیر اول آن در محدوده ای نقض حقوق عمومی دولت آلمان و سایر دولتهای اروپائی قرار میگیرد. مقامات قضائی بدون شکایت شاکی خصوصی متهم را مورد پیگرد قانونی قرار میدهند. کشور آلمان دارای انسانیتزین قانون اساسی است که در آن حفظ گوهر کرامت انسانی از وظایف اساسی هیات حاکمه است. قضات آن در جریان رسیدگی به پرونده ای میکونوس نشان دادند که استقلال رای و تعهد به بنیانهای حقوق انسانی را مقدم بر منافع اقتصادی و زدبندهای سیاسی میدانند در

عمل به آن پایبند هستند. ملت و دولت آلمان ثابت کرده‌اند که امیال نیروهای امنیتی در صدور رای توسط قاضی پرونده لحاظ نمیگردد. بیگمان آقای تهرانی براین امور آگاهی دارند. میتوان باور داشت که تعصب کورو جانبداری از برتری‌خواهی قومیت حاکم، آقای خانابا تهرانی را به اتخاذ چنین موضع ناصواب و خصمانه کشانده باشد. ضدیت با خواست برابر حقوقی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ملت کورد و نسل نوینی از مبارزین خلق ما انگیزه و محرک وی در انتساب آن اتهامات بی‌پایه بوده‌است. اگر جز این بود ایشان دلیلی ارائه میفرمودند.

آقای مهدی خانابا تهرانی سیاستمداریست قدیمی و لی ناموفق. همانند هم‌ردیفانش که چند صباحی نامی داشتند و بعد "زدند فسانه‌ای و درخواب شدند". او نیز هم‌ردیف هزارانی از رانده‌ها است در دیار غربت که هیچگاه واقعیت سیه‌روزی خودو ملت‌های موجود در ایران را آنطور که هست درک نکرد. همه به حذف ملت‌های قهرا مغلوب موجود علیرغم ادعاهای آزادیخواهانه به‌به گفتند و حکام ستمگر را به ادامه‌ی سرکوب و کشتار ترغیب کردند. آنان همچون سیاست‌بازان در رهبری احزاب مفلوک اردوگاهی، ورشکسته به تقصیرند.

چرا آقای خانابا تهرانی قبلا از وجود جرایم انتسابی به آقای حاج احمدی خبری منتشر نکرده بود بدرستی معلوم نیست. قضیه وقتی بیشتر جلب توجه میکند که آقای بیژن برهمندی تحلیل استاد را با مطلبی دیگر در سایت خبری رادیو فرانسه که زیرنام آقای برهمندی نوشته شده‌است مونتاز میکند.

تحلیلگر فرهیخته را چه میشود؟ او با آن همه مته به خشخاش نهادن، علیه ستمگران و ستم داد زدن واز ستم‌دیده دفاع کردن چرا اینگونه با مردمی که برای آزادی‌اش قربانی میگردد دشمنی میورزد؟ آقای خانابا تهرانی را اشغال کردستان بندگی فکری، سیاسی، غارت و چپاول و اسیمیلاسیون مردمش کافی نیست؟

باکدام جرم مشهود یا دلایل متقن و قرار صادره از مقامات قضائی آلمان، شخصا به کشف محل اقامت آقای مهندس حاج احمدی اقدام میکنند و انرا مجانا در اختیار خریداران اینگونه اطلاعات قرار میدهد؟ سابق براین تحلیل‌های سیاسی سیاستمداران ورشکسته به تقصیر اینگونه اطلاع رسانی را شامل نمیشد. آنجناب از سر دلسوزی رژیم تروریستی و ریاست مجلس آخوندی‌را به ندانم‌کاری متهم میکند که چرا هیاهو راه‌انداخته‌اند و مجال نداده‌اند مقامات اطلاعاتی آلمان و کشورهای غربی آقای حاج احمدی‌رانیز همانند آقای اوچالان دست‌بند زده به بازماندگان کشتارگران ارمن و کورد ویا کارگردانان سیستم جنایتکار جمهوری اسلامی تحویل دهند.

آقای تهرانی مهندس حاج احمدی‌را تروریست مینامد. اوکه فرط ضدیت با کورد و با آن سازمان حتی نامش را به غلط تلفظ میکند، آن سازمان‌را تشکیلاتی تروریستی مینامد. علت چیست و چرا؟ چرا تروریستش مینامد؟ تحلیلگر سیاسی ما کاش شناخت خویش از ترور را توضیح میداد. بیش از 100 تعریف از ترور و تروریست در میان حقوقدانان و کشورهائی که استاد گوش در حلقه‌ی آنان دارد وجود دارد. حقوقدانان جهان تاکنون نتوانسته‌اند در مورد تعریف ترور به اجماع واحدی برسند. حتی برخی از دولتهائی که در صف مقدم مبارزه علیه گروه‌ها و سازمان‌های مدافع حقوق ملی هستند و خاتمه بخشیدن به اشغال‌را جز از طریق توسل به قهر ممکن میدانند دارای روابط بسیار دوستانه با سازمانهائی هستند که ایالات متحده و برخی کشورهای اروپائی آنها را تروریست مینامند. آقای خانابا میتوانند به روابط بسیار نزدیک ترکیه و حماس و روسیه و حماس توجه فرمائید. از آن گذشته آیا آقای خانابا به اجماع جهانی درمورد اعمال تروریستی رژیم ولایتی و محکومیت آن سیستم جنایتکار به نقل از دادگاه میکونوس توجهی فرموده‌اند؟

هردولت و هرکسی بر اساس منافعش از ترور خوانشی دارد. و استاد در آن تحلیل امنیتی / سیاسی، دیواری کوتاه‌تر از دیوار مردم کرد ندیده است. دشمن در قالب دوست، دوستی با قاسملو و دشمنی با هم‌رمز و ادامه دهنده‌ی راهش؟ و این آخرین ایستگاه و آخرین امتحان او نیست. اصلح است خود فرماید! "هیچ نه معلوم شد آه که او"، کیست؟ چیست؟

2010/3/31

در ارتباط با زیاده خواهی تمامیت خواهان و مقاله فوق لطفا لینک‌های زیر را کلیک کنید!

<http://www.mktehrani.com/Text/Bayaniyeh/Rooze%20Emtehan.pdf>

[http://www.khabarnet.info/index.php?option=com\\_content&view=article&id=1098:138](http://www.khabarnet.info/index.php?option=com_content&view=article&id=1098:138)  
[www.mktehrani.com/Text/Bayaniyeh/Rooze%20Emtehan.pdf](http://www.mktehrani.com/Text/Bayaniyeh/Rooze%20Emtehan.pdf)

<https://docs.google.com/Doc?docid=0ASdht7UU19z2ZGd4eHE2dDJfMTRoZHZqcGZnYg&hl=en>

[http://www.persian.rfi.fr/aef\\_player\\_popup/rfi\\_player#!](http://www.persian.rfi.fr/aef_player_popup/rfi_player#!) ! به تحلیل آقای خانابا تهرانی لطفا گوش کنید

<http://www.persian.rfi.fr/%D9%86%D8%A7%D8%B4%DB%8C%DA%AF%D8%B1%DB%8C-%D8%AF%DB%8C%D9%BE%D9%84%D9%85%D8%A7%D8%B3%DB%8C-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D9%85%D9%88%D8%AC%D8%A8-%D8%A2%D8%B2%D8%A7%D8%AF%DB%8C-%D8%B3%D8%B1%DB%8C%D8%B9-%D8%B1%D9%87%D8%A8%D8%B1-%D9%BE%DA%98%D8%A7%DA%A9-%D8%B4%D8%AF-20100310/%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86>

برای شنیدن متن مصاحبه‌ی آقای خانابا تهرانی با کلیک کردن لینک فوق در سمت چپ پائین متن خبر، اگر بروی ایکن یا علامت گوش کنید را کلیک نمائید.

[www.helwist.com](http://www.helwist.com)